

## سکوت امروز، مرگ فرداست

نماینده مسجد سلیمان می گوید: "دادسرای انقلاب جای ضدانقلاب است و جوانان مخلص منطقه را برای موضوع کوچکی به بازجویی و زندان می کشاند. وی می افزاید این جریان "نه تنها به پایان نرسیده بلکه شدت یافته است" (اطلاعات ۱۸ اردیبهشت ۶۴).

نماینده کرگان از این واقعیت پرده برمی دارد که روند اخراج بقایای نیروهای مخالف غارت سرمایه داران و زمینداران بزرگ در همه نهادها - از آموزشی گرفته تا نظامی - جریان دارد. او می نویسد: "چرا اخراج بی رویه برادران از ادارات و از نهادهائی مانند جهادسازندگی، سپاه پاسداران، بسیج سپاه پاسداران به بهانه های واهی همچنان ادامه دارد و جلوگیری نمی شود و آیا از اخراج و انتقال بی رویه دبیران و معلمان دلسوز با انگ زدن به بقیه در ص ۶

خائنین به خلق و انقلاب، به حزب توده ایران، فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سایر سازمانهای مرفقی سعبانه یورش آوردند تا از خون یقینای صاحبان ثروت ما و زمینهای بزرگ حراست کنند. اما یورش به این نیروها کام نخست ارتجاع در تلاش برای درهم شکستن موانع غارت چپاولگران داخلی و خارجی بود. معلوم بود که چنانچه زراندوزان و زورمداران بر کشور ما مسلط شوند، علاوه بر گروههای دگر اندیش، سایر نیروهایی را نیز که به آماج های انقلاب پراچ انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی بهمین ۵۷ وفادار بمانند و حاضر نباشند به مطامع متسولین و متنفذین گردن نهند از دم تیغ خواهند گذراند. آنچه که امروز در میهن ما روی می دهد موید این واقعیت است.

نامه  
مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هشتم سال دوم شماره ۷۴  
پنجشنبه ۹ آبان ۱۳۴۴  
بها ۲۰ ریال

## سالگرد تیرباران دو مین گروه افسران سازمان نظامی حزب توده ایران

دیگر بار یاد این پیشروان جان برکف جنبش ۸ آبان ۱۳۳۳. سی و یکمین سالگرد تیرباران انقلابی میهن و فرزندان رشید خلق را که به دست گروه دوم سازمان نظامی حزب توده ایران، رفقا: سرگرد غلامحسین محبی، سرگرد محمدرضا رژیم آمریکایی شاه به جوخه اعدام سپرده شدند، بهنیا، سروان منصور کلهری، سروان مصطفی کرامی می داریم. باشد که ثمره این جانفشانی ها بیاتی، سروان حسین کلالی و سروان احمد رهروان راه دستیابی به آزادی، استقلال، عدالت مهدیان است. اجتماعی و صلح باشد.

## مبارزه زنان علیه جنک را سازمان دهیم

جنگ بی معنا، خونبار و ویرانگر همچنان ادامه دارد. هر روز که میگذرد اثرات دردناک جنک در زندگی زنان کشور ما روشن تر از پیش بازتاب می یابد. صدها هزار کشته، نزدیک به ۲ میلیون آواره، ۵۶۰ هزار مجروح و معلول، ۱۷ هزار اسیر و ۲۰ هزار مفقودالامر هریک به نوعی با رشته زندگی زنان

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به نمایندگان

## هفتمین کنگره حزب کمونیست ونزوئلا

رفقای عزیز، کمیته مرکزی حزب توده ایران درودهای گرم و انقلابی توده ایهای ایران را به شما و همه کمونیست های ونزوئلا تقدیم می دارد. کنگره شما در شرایطی برگزار می شود، که امپریالیسم ایالات متحده آمریکا سیاست مداخله گری خود را در قاره آمریکا شدت می بخشد و دولت ریگان در مبارزه خود با استقلال جویی و پیشرفت اجتماعی آشکارا و همه جانبه به یاری واپس گرا ترین نیروها می شتابد. در کشور شما نیز بورژوازی انحصاری ونزوئلا با وابستگی هرچه بیشتر خود به امپریالیسم ایالات متحده کشور را گرفتار بحرانی عمیق کرده است، که قربانی اصلی آن طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ونزوئلا هستند. امپریالیسم آمریکا از مسئله بدهکاری ارزی ونزوئلا بمانند

حربه ای سیاسی برای تحمیل هدف های ارتجاعی خویش بر سیاست داخلی و خارجی ونزوئلا بهره می جوید. کمونیست های ونزوئلا با افراشته نگهداشتن پرچم مبارزه زحمتکشان با استعمار خارجی و داخلی و در راه استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی همواره پیوند خویش را با نیروهای مردمی نشان داده و از همین رو از پشتیبانی فزاینده آنها برخوردار شده اند. ما اطمینان داریم، که کنگره هفتم با تصویب برنامه و آیین نامه جدید به این نقش کارآئی بیشتری خواهد بخشید. پیروزی شما را در این امر مهم خواستاریم.

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری!  
پیروزی باد حزب کمونیست ونزوئلا  
کمیته مرکزی حزب توده ایران

## کابینه جدید: "کابینه سازش"

روز ۲ آبانماه، نخست وزیر اعضای کابینه جدید را به مجلس معرفی کرد. اکثریت اعضای کابینه جدید همان وزیران پیشین هستند. این امر به خودی خود نشانگر آنست که نخست وزیر با آوردن چند وزیر جدید از بین چهره های شناخته شده و ناشناخته، در واقع کابینه قبلی را ترمیم کرده است تا سیاست گذشته را دنبال می کند. کابینه جدید چیزی جز "کابینه سازش و جناحها" و "دولت ائتلافی" نیست.

در شرایطی "کابینه سازش" تشکیل می شود که اختلاف ها، درگیری ها و وجهه آریی ها در میان جناح های گوناگون در جمهوری اسلامی بر سر قدرت و منافع گروهی تا آن اندازه حاد و "نارسانی ها و بحران های اقتصادی اجتماعی کنونی" (کیهان ۷۹، ۶۴) تا آن اندازه ژرف است که رژیم را به سوی فلج عمومی و به نوشته "کیهان" به سوی "یک ناچشمه عظیم اقتصادی و سیاسی و اجتماعی" می کشاند. بی دلیل نیست که از خمینی و منتظری گرفته تا نمایندگان مجلس "انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه ها" از "وضعیت بسیار پیچیده کشور"، "بحرانی ترین مواقع تاریخی" و "شرایط پیچیده و صبر سوز زمان" سخن می گویند.

تب و تاب رویدادهای اجتماعی، بخصوص بالا گرفتن موج کسترده ناخشنودی و اعتراض توده های مردم، در پائین و اوج تازه "اختلاف ها و ناسازگاری ها" در بالا، وضعیت انفجار آمیزی در جامعه بوجود آورده است. بازتاب عینی این واقعیت را در بیانیه "دفتر تحکیم وحدت درباره تشکیل کابینه جدید" می توان دید: "این اختلافات و ناسازگاری ها در بعضی مسائل آنقدر حاد می شود که نه تنها امکان همکاری را از بین می برد بلکه بحران را زاده و جامعه را دچار التهاب و ناامنی روانی می کند و توسعه این بقیه در ص ۲

## کارزار جهانی دفاع از زندانیان توده ای

در ص ۵

پیروزی باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## عواقب همپیوندی با امپریالیسم ژاپن

سران رژیم تحت شعار دستیابی به "خودکفایی" و "استقلال اقتصادی" بطور وقفه ناپذیری مشغول بسط مناسبات اسارت بار اقتصادی با امپریالیسم ژاپن هستند. عمده ترین دلیلی که دولت مردان خاش ج.ا. برای این نزدیکی ارائه می دهند، استفاده از تکنولوژی پیشرفته ژاپن در جهت رشد اقتصادی و صنعتی است. بعنوان نمونه در همین سفر اخیر هیئت بلندپایه ایرانی، به ژاپن، آقای رفسنجانی اعلام کرد: "از لحاظ تکنیک صنعت خیلی از خلاهایی که در کشور ما هست بخاطر بریده شدن دست آمریکا و برخی کشورهای غربی از ایران، ما با ژاپنی ها می توانیم جبران کنیم" وی درخود ژاپن نیز خطاب به رهبران این کشور گفت: ما از تکنیکهای پیشرفته شما استفاده می کنیم" (صدای ج.ا. ۱۰، ۱۴، ۱۹۴۷).

برپایه همین سیاست، امروز حکام ج.ا. در گفتارهای خود ژاپن را کشوری معرفی می نمایند که قصد "تجاوز و تعرض و سلطه گری" ندارد (رفسنجانی - صدای ج.ا. ۱۵، ۱۴، ۱۹۴۷) و در مجیز گویی از این کشور امپریالیستی تا بدانجا راه افراط می روند که ژاپن را "حماسه صنعتی غرب" نام می دهند. (صدای ج.ا. برنامه کارگر ۲۲، ۱۹۴۷)

این سیاست رژیم برای مردم میهن ما ناشناخته نیست. روشی که هم اکنون زمامداران ج.ا. با رنگ و لعاب "اقتصاد اسلامی" در پیش گرفته اند، در حقیقت پیروی از همان تز کذابی راه آسیایی رشد اقتصادی است که مخترعان و مبلغان آن خود انحصارات غارتگر ژاپنی هستند. برای محک زدن عواقب این نظریه بهترین معیار همانا بررسی نمونه هایی از وضعیت کشورهای است که در این کوره راه کام برمی دارند. چرا که بقول معروف:

خوش بود گر محک تجربه آید به میان  
تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

از اینرو، ما توجه خوانندگان گرامی را به نمونه کره جنوبی، که از قربانیان این تز نواستعماری است جلب می کنیم. درحال حاضر، میزان سرمایه گذاری مستقیم انحصارات ژاپنی در کره جنوبی به بیش از ۳۷۷ بقیه در ص ۷

حاکمیت ارتجاعی را حل کند.

ثانیاً- دولتی که سرمقاله نویس "کیهان" اثر را به درستی "مماشات گر" و "محافظه کار" (۱۷، ۱۹۴۷) و منتظری در دیدار با ۱۰۰ تن از نمایندگان مجلس عملکرد آن را "برای کشور" سرچشمه "فاجعه" معرفی کرد و اکنون ایفاء شده است، چگونه می تواند در خدمت "مستضعفین" باشد؟

زحمتکشان کشور ما که بخوبی دریافته اند "خانه از پای بست ویران است - خواجه دربند نقش ایوان است" دست رد بر سینه دولت های ثمره، سازش و زد و بند کل نظام ج.ا. خواهند کوفت و دیریا زد حرف آخر خود را در رویارویی با رژیم "ولایت فقیه" خواهند زد.

محافل کونا کون در جمهوری اسلامی شده بود، به خودی خود جلوه دیگری از تلاش ها و زمینه سازی برای زدوبندهای پشت پرده را به نمایش می گذارد.

محمد امین طرفی، نماینده آبادان و از مدافعان دو آتشه خامنه ای، ضمن "ستایش و قدردانی" از پدیده ای سطحی مشابه آنچه که به کرات در دوران ریاست جمهوری بنی صدر و نخست وزیری رجائی شاهد بودیم یعنی "کار خدایسندانه" چاپ "عکس ریاست جمهور و نخست وزیر در کنار یکدیگر" در روزنامه جمهوری اسلامی و با بیان هشدار آمیز این نکته که "خطر بی نظمی کشور را تهدید می کند"، می گوید: "چه اشکالی دارد حالا... ما با یکدیگر به نفع انقلاب سازش کنیم. چه ضرری دارد که برای رسیدن به حتی بزرگ از حقوق کوچکمان بگذریم" (ج.ا. ۱۷، ۱۴، ۱۹۴۷).

در مقابل این جناح، جناح های دیگر نیز با برداشتن علم "تشکیل دولت هماهنگ" و "مجموعه منسجم" به مخالفت با "دولت ائتلافی" برخاسته اند. نماینده اهواز می گوید: "کابینه ائتلافی هیچ دردی را دوا نخواهد کرد" (اطلاعات ۱۵، ۱۴، ۱۹۴۷). روزنامه اطلاعات می نویسد: "دولت یک مجموعه است... و آنچه که تحت عنوان "ترکیب ائتلافی" مطرح می شود در حقیقت نمی تواند کار ساز باشد" (۲۲، ۱۴، ۱۹۴۷). در این چارچوب در روزنامه کیهان می خوانیم: "باید توجه کرد که شرایط کنونی جامعه و انقلاب چنان نیستند که... با ملاحظه کاری در مقابل جریان ها و نیروهائی که تنها منافع قشر خاصی را در نظرمی گیرند تن به دولت ائتلافی داد" (۱۵، ۱۴، ۱۹۴۷).

هسته اصلی نظرات مخالفان "دولت ائتلافی" چنین است:

"از ریاست محترم جمهوری انتظار می رود با بازگذاشتن دست نخست وزیر، کابینه ای هماهنگ تشکیل دهند تا بتواند هر چه بیشتر به مستضعفین خدمت نمایند" (نماینده کوهدشت و چگینی - اطلاعات ۱۲، ۱۴، ۱۹۴۷).

در اینجا باید دونگه را خاطر نشان ساخت، اولاً اینکه دولت به عنوان دستگاه فرمانروایی طبقه معینی تنها در صورت "هماهنگ بودن" می تواند به موجودیت خود ادامه دهد و حاکمیت خویش را به سود طبقه یا قشرهای معینی که نمایندگی آن را به عهده دارد، اعمال کند، حرفی نیست. ولی حرف اصلی و اساسی در این است که در شرایط کنونی، در جمهوری اسلامی که نظام خودکامه فردی "ولایت فقیه" حاکم است، عملاً شخص خمینی - نه نهادهای گوناگون حکومتی - عالی ترین مرجع تصمیم گیری ها درباره کلیه امور اساسی است. در زیر نظر خمینی مرتجع ترین عناصر، اهرم های سیاسی و اقتصادی را در کشور بدست دارند و در راستای منافع کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران از هیچ تلاشی فروگذار نمی کنند. بنابراین تشکیل "دولت ائتلافی" و یا "دولت هماهنگ" نمی تواند مشکل کشا باشد و تضادهای آشتی ناپذیر خلق با

## کابینه جدید: کابینه سازش

بقیه از ص ۱

بهران موجب خدشه دار شدن حرمت ما می شود و در مجموع، امنیت روانی جای خویش را به جو التهاب و تشنج می دهد" (اطلاعات ۲۲، ۱۴، ۱۹۴۷).

بر کسی پوشیده نیست که جنگ تمام عیار بر سر دستیابی به قدرت و منافع گروهی در سالهای بعد از انقلاب در نهادها و در سطوح گوناگون حکومتی جریان داشته و همچنان دارد. عدم انسجام، ناهمگونی و اختلاف از ویژگی های دولت های بعد از انقلاب بشمار می روند. مثلاً "کیهان" درباره دولت موسوی می نویسد:

"ناهماهنگی... از بارزترین مشخصات دولت کنونی است" (کیهان ۱۲، ۱۴، ۱۹۴۷).

همچنین رشیدیان، نماینده آبادان، ضمن اشاره به "اختلاف اصولی فکری" و "ناهمگونی اصولی" در درون هیات دولت و در بین نخست وزیر و رئیس جمهور از جمله می گوید:

"مثلاً الان می بینید از دوره اول مجلس شورای اسلامی تا همین حالا که من صحبت می کنم، سه

وزیر عمده نداریم مثلاً وزیر دفاع نداریم. ریشه اش چه است. برای آنکه نخست وزیر معرفی می کند و رئیس جمهور قبول نمی کند..." (کیهان ۲۳، ۱۴، ۱۹۴۷).

رئیس جمهور نیز در جریان تبلیغات انتخاباتی، ضمن اشاره به "دست بسته" و "بی اختیار بودن" رئیس جمهور، نقاب از اختلاف های موجود پشت پرده هم برمی دارد. او در نطق رادیویی خود در روز ۲۲ مردادماه می گوید: "... تا اینگونه دست رئیس جمهور قانوناً بسته است... من از برادران و خواهران محترم از مجلس شورای اسلامی درخواست می کنم که این قانون (اختیارات رئیس جمهور) را هر چه کاملتر و هر چه زودتر بدهند به دولت تا آن رئیس جمهوری که سرکار خواهد آمد... بفهمد کارش را قانونی انجام بدهد... به یک وزیری نامه نوشتم... وزیر هم مثلاً قبول نکرد. در جواب من نوشت که بعد از این دیگر نامه های شما را به من نخواهند داد. خوب حالا من با این وزیر چه بکنم؟"

واقعیت آن است که همپای تشدید ناراضی مردم، تضادها و اختلاف های درون حاکمیت بالا گرفته است. از این رو، سران مرتجع جمهوری اسلامی در هراس از غرش قریب الوقوع "آتشفشان" خشم مردم، با پادرمیانی خود تلاش می ورزند برای فرونشاندن بحران و آتش اختلاف های موجود بین جناحهای گوناگون در جمهوری اسلامی، آنها را زیر پرچم دفاع از "اسلام" و "حکومت اسلامی" متحد سازند و در بستر یک "سازش" در نهایت محتوم به شکست، کاری کنند تا دامنه "اختلاف ها به جامعه کشانده نشود". در همین چارچوب است که خمینی از ریاست جمهوری خامنه ای و نخست وزیری موسوی پشتیبانی بعمل می آورد.

در هفته های اخیر، پیشنهاد و بحث پیرامون تشکیل دولت ائتلافی نیز که آشکارا نقل مجلس

## مبارزه زنان علیه جنک را سازمان دهیم

بقیه از ص ۱

زندگی زنان را در معرض مخاطرات بیشتری قرار داده است.

جنگ دهها هزارتن از مادران رنجیده کشور ما را برای همیشه در سوگ فرزندان خود نشانده است. هزاران زن جنگ زده که در سراسر کشور پراکنده اند، بار اصلی زندگی فلاکت بار آوارگی و دریدری را بردوش می کشند و هر روز با معضلاتی نظیر محرومیت فرزندان از تحصیل، شرایط زیستی اسباب، بی آبی، بی برقی، عدم بهره مندی از بهداشت و خدمات درمانی، گرانی، بیکاری، بی مسکنی و بی خانمانی دست به گریبان هستند و در کوی و برزن ها، شب را به صبح می رسانند. فقر و فشارهای اقتصادی تحمیل شده به زنان بی سرپرست سبب رشد لجام گسیخته و مصیبت بار فساد و فحشاء در میان آنها و کشانیدن هزاران زن و کودک محروم در جامعه به دامن اعتیاد، قاچاق، دزدی و دیگر بلایای هستی سوز گردیده است. روان پریشی و انواع بیماریهای روحی و روانی در میان زنان افزایش یافته است. آمار طلاق، جنون، خودکشی و... در بین آنها بالا رفته است. رژیم برای ادامه سیاست جنگ افروزان خود از زنان و دختران جوان تحت عنوان "کمک به جبهه ها" بیکاری می کشد.

زندگی اکثریت قریب به اتفاق زنان کشور ما با این پیامدهای شوم به نوعی در پیوند است. امروز جنگ یکی از اساسی ترین عواملی است که موجب شده زنان و حمتکش جامعه هم در مقام مادر، هم در مقام همسر و هم به عنوان یک زن مورد ددمنشانه ترین تزییقات و تبعیضات قرار گیرند. اما با این حال آتش جنگ همچنان شعله ور است و طبعا بحران های اجتماعی و پیامدهای مخرب آن روز بروز عرصه را بر زندگی اسارت بار زنان تنگ تر خواهد کرد.

اگر امروز زنان کشور ما فریاد حق طلبانه خود را بلند نکنند و مبارزه خود علیه رژیم را انسجام نبخشند، رژیم ضدبشری "ولایت فقیه" خواهد توانست از سازمان نیافتگی توده های مردم از جمله زنان به نفع سیاست جنگ طلبانه خویش بهره برداری کند. سازماندهی و تشکل زنان همه اقشار و طبقات اجتماعی و مبارزه حول محور صلح، آزادی، استقلال ملی و عدالت اجتماعی و وظیفه مبرم روز است. مبارزه خستگی ناپذیر و

کارگران زحمتکش این معدن را استخدام نمی کنند؟"

"اکثر کارگران صحبت هائی از این قبیل دارند و..."

(نقل از "اطلاعات" ۹ مهر ۱۳۶۴).

تنها تشکل کارگران در سندیکاها و انجمن های صنفی مستقل کارگری و تشکیلات هسته های صنفی

## پای صحبت کارگران يك معدن ذغال سنگ

"کار معدن یکی از خشن ترین کارهاست، تا بحال افراد زیادی به سراغ ما آمده اند و بقول معروف وعده و وعیدهای زیادی داده اند، اما کمتر به این وعده ها عمل شده است و ما تا حالا از این وعده ها خبری ندیده ایم."

"یکی از مشکلات بزرگ کارگران این معدن قطع مزایای کارگران پس از مصدوم شدن آنها در محل کار است. خیلی از کارگران در حین کار دچار حادثه و آسیب دیدگی می شوند و دیگر نمی توانند در معدن مشغول به کار شوند، پس از این وضع کارگر به کار دیگری گماشته می شود، اما بلافاصله مزایای کار در تونل قطع می شود، چرا؟ مگر غیر از این است که کارگر در حین کار دچار سانحه شده است؟ پس چرا مزایای او را قطع می کنند؟"

"اگر کسی در معدن مصدوم شود حقوق سه روز اول او را قطع و از بقیه حقوق او ۲۵ درصد کم می کنند و مزایای هم قطع می شود، چرا؟ مگر کارگر در حین کار و بر اثر مشقت کار مریض نشده است؟"

"مشکل دیگر کمبود امکانات بهداشتی و درمانی است. در اینجا فقط یک دکتر هندی خدمت می کند که زبان ما را نمی فهمد. از این گذشته در این معدن بزرگ فقط یک آمبولانس وجود دارد که به هیچ وجه کافی نیست."

"مسئله دیگر کمبود حقوق کارگران در این معدن است. حداکثر حقوق و مزایای مشقت کاری یک کارگر معدن کار از ۵ هزار تومان بیشتر نیست. در حالی که این حقوق با توجه به سختی کار و افزایش هزینه های زندگی مکتفی نیست."

"سه سال و نیم است که در این تونل در قسمت استخراج مشغول به کارهستم. مجموعاً در روز ۱۲۵ تومان حقوق و مزایا دریافت می کنم و به صورت پیمانی کار می کنم... حقوق ما کم است، با برنج کیلوئی ۴۰ تومان و گوشت کیلوئی ۱۰۰ تومان چطور می شود با این حقوق ساخت؟"

"۱۵ سال است که در این معدن کار می کنم و مجموعاً روزی ۱۷۰ تومان حقوق دریافت می کنم. با این حقوق نمی شود زندگی کرد."

حقوق من قبلاً ۴۸۰۰ تومان بود که بعداً دچار شکستگی استخوان شدم و مزایایم کم شد و حقوقم به ۲۸۰۰ تومان رسید."

"اکثر کارگران اینجا پیمانی هستند و بعد از سالها کار فرسوده و از کار افتاده می شوند، بی آن که از حقوق بازنشستگی برخوردار شوند. چرا

رزم دلیرانه زنان در طول تاریخ فراموش نشدنی است. شرکت فعال و چشمگیر زنان در تظاهرات کوی ۱۲ آبان و کوی نصر (کیشا) تهران در جهت مقابله با ادامه جنگ و تامین صلح از تازه ترین نمونه های برجسته این مبارزه است.

زنان زحمتکش و مبارزا

- در تظاهرات و راه پیمایی های صلح حضور فعال داشته باشید و در جهت تقویت روحیه ضد جنگ بکوشید؛

- علیه سیاست جنگ طلبانه رژیم و خاتمه جنگ و برقراری صلح دست به افشاکاری هرچه گسترده تر بزنید؛

- از فرستادن فرزندان خود به جبهه ها خودداری کنید؛

- با تهیه طومار و نامه نویسی های مکرر و دسته جمعی به ارگانها و نهادها در رابطه با تامین صلح، رژیم را تحت فشار قرار دهید؛

- در خردادماه گذشته، مجلس طرحی را به تصویب رساند مبنی بر تامین امکانات لازم از سوی سپاه پاسداران برای امر آموزش نظامی زنان و دانش آموزان مدارس راهنمایی و دبیرستانی کشور (کیهان ۱۶ آذر ۱۳۶۳)، از شرکت در آن خودداری کنید؛

- جنبش اعتراضی خود را در محیط های کار و زندگی با جنبش صلح پیوند دهید و شعار "زنده باد صلح" و "مرگ بر جنگ افروز" را در راس آنها قرار دهید.

## کابوس اخراج ها

بقیه از ص ۴

مبارزه کارگران شاغل با پدیده منحوس اخراج، از طریق پافشاری بربرکشت همکاران خود به کار و همچنین اعتراض به لایحه ارتجاعی قانون کار که سیج تغییری در جهت بهبود حال کارگران ایجا نمی کند، اهمیت بسیار دارد. نمونه بسیاری از کارخانجات، به ویژه اعتصاب شکوهمند کارگران ذوب آهن اصفهان، نشان داده است که آگاهی، سازماندهی و اتحاد کارگران ضامن پیروزی است.

مخفی کارگری برای سازماندهی اعتصابها و بکارگیری شیوه های گوناگون مبارزه متناسب با وضعیت هریک از واحدهای کار، همچنین اتحاد همه زحمتکشان کشور می تواند منجر به پیروزی کارگران و دستیابی آنان به حقوق واقعی خود شود.

جنگ عامل تشدیدکننده بحران اقتصادی، وابستگی، استثمار کارگران و دهقانان، بیکاری روزافزون، گرانی، آوارگی و بی خانمانی است!

## دربازار کتاب چه خبر است؟

## کابوس اخراج‌ها

همراه با تشدید بحران عمومی و اقتصادی جمهوری اسلامی، زندگی کارگران و زحمتکشان هر روز سخت‌تر می‌شود. بدترین عارضه این بحران، بالای اخراج است که به ویژه این روزها در اکثر واحدهای کارشیوع فراوان یافته است. خطر اخراج به طرق مختلف کارگران را تهدید می‌کند.

واردات مواد اولیه و قطعات به دلیل کمبود ارز کاهش یافته و تولید در بسیاری از کارخانه‌هایی که وابسته به جهان سرمایه‌داری هستند روبرو رکود گذاشته است. مدیران نیز به این بهانه دسته‌دسته کارگران را اخراج می‌کنند. دامنه اخراج‌های گروهی و وسعت بی‌سابقه‌ای گرفته است، بطوریکه در برخی مجتمع‌های بزرگ، مانند ایران ناسیونال، به یکباره حکم اخراج بالغ بر صد نفر صادر می‌شود. در کارخانه‌های دیگر، اخراج‌های فردی بطور مستمر وجود دارد و تاکنون تعداد زیادی از کارگران از کار اخراج شده‌اند.

برخی کارخانه‌ها به بهانه توقف تولید، اعلام ورشکستگی می‌کنند و تمامی کارکنان خود را به یکباره به خیابان‌ها می‌ریزند. مطابق قانون کار ارتجاعی، به این کارکنان هیچگونه خسارتی نیز پرداخت نمی‌شود.

وضعیت کارگران صنوف سف بارتر است. کاهش مواد اولیه به دلایل مختلف و از جمله دواثر سواستفاده‌های برخی از تعاونی‌های توزیع، بسیاری از واحدهای کوچک صنفی را به ورطه بحران کشانده است. بازار خیاطی‌ها، کفشی‌ها و دیگر صنوف کساد شده است. کاهش قدرت خرید مردم نیز در این امر موثر است. همه اینها باعث می‌شود تا اولاً مزد کارگران صنفی که عمدتاً به شکل کارمزدی کار می‌کنند، شدیداً کاهش یابد، و ثانیاً کارفرمایان به کار بسیاری از آنان خاتمه دهند.

اخراج فعالین صنفی نیز در این میان بیداد می‌کند. کارفرمایان دستور دارند، کارگرانی را که از سوی وزارت کار یا دیگر ارگان‌ها زیر علامت سؤال قرار می‌گیرند، اخراج کنند.

اخراج تنها بالای جان آن عده از کارگرانی نیست که به بیرون از واحدهای کار رانده می‌شوند. اخراج یک پدیده منحوس اجتماعی است که در فضای بیکاری شدید حاکم بر کشور و فقدان هرگونه بیمه بیکاری برای زحمتکشان به صورت یک کابوس همه گیر درمی‌آید. کارگران شافل مردم در این دغدغه به سر می‌برند که چه زمان این بلا به سراغ آنها خواهد آمد. اخراج کارگران و زحمتکشان از محیط کار با پشتوانه قانون کار ارتجاعی و ماده ۳۳ معروف صورت می‌گیرد.

بقیه در ص ۲

آتشک در زمان حاضر به نوشته "کیهان" تیراژ کتاب‌ها افت کرده است و به ندرت بیش از سه هزار نسخه است " (۶۶/۷۲۸). تیراژ کتاب پایین است زیرا " تجدید چاپ کتاب‌های تاریخی و بعضاً بی‌مایه، رمان‌های عاشقانه مبتذل " و همچنین به نوشته "کیهان" باید افزود نوشته‌ها و ترجمه‌های مشتکی‌گرفتگی ستم‌مزدور سازمان‌های جاسوسی ووازدگان سیاسی و نیز ترجمه لاطاللات " فیلسوف‌های مطرود پورژوایی " برای کتاب خوان‌ها ناخوشایند است.

یکی از پدیده‌های شایان توجه بازار کتاب ایران به جز گرانی سرسام‌آور قیمت کتاب‌ها، پائین بودن درصد کتاب‌هایی است که برای نخستین بار به زیر چاپ می‌روند. تجدید چاپ پویژه کتاب‌های تاریخی همانند " تاریخ ابن خلدون " و " تاریخ عالم آرای عباسی "، با خوانندگان کم‌شمار، توقف نمی‌شناسد.

در سال گذشته " نزدیک به هفت هزار عنوان (کتاب ) " از زیر چاپ بیرون آمده است که " بیش از ۶۰ درصد کتاب‌هایی که این روزها منتشر می‌شود قبلاً چندبار چاپ شده ( است ) " (کیهان ۶۶/۷۲۷). علت این امر هم چون روز روشن است: چون " هیچ کتابی قبل از چاپ مورد بررسی قرار نمی‌گیرد " (کیهان ۶۶/۶۴) و ناشران باید " کتابی را که با ارزش‌ها و اصول پذیرفته شده انقلاب مغایرتی نداشته باشد با توجه به ضوابط چاپ کنند " (کیهان ۶۶/۷۲۹). بدینسان رژیم پای ناشران را در پوست گردوی " ارزش‌ها و اصول پذیرفته شده " و " ضوابط " ارتجاعی می‌گذارد و جلوی انتشار کتاب‌های نویسندگان و مترجمان و پژوهندگان مترقی و دگراندیش را می‌گیرند. در چهارچوب تنگ " ارزش‌ها " و " اصول " و " ضوابط " رژیم تنها کتاب‌های همانند " تاریخ الوزرا "، " الی القرآن الکریم "، " درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام "، " اسلام و بحران عصر ما "، " تاریخ خاندان مرعشی‌مازندرانی "، " مغازی "، " خودآموز حکمت مشا " و " ۵۷ درس برای تقویت حافظه " اجازه انتشار می‌یابد. اگر ناشران پای خود را از گلیم کوچک بافته و تافته رژیم درازتر کنند، بازداشت و زندان و خیر شدن کتاب‌های چاپ شده در انتظار آنهاست. بازداشت ناشران و کتاب فروشان و مصادره صدهزار جلد کتاب در سال‌های اخیر نمونه مشخص آن است.

همچنین تیغ سانسور رژیم آن چنان بر است که حتی به اعتراف نشریات مجاز " برخی اندیشه‌های اقتصادی آیت اله مطهری " نیز سانسور می‌شود. با این وجود باید کلفت تاریخ گواه آن است که هیچ نیرویی قادر نیست با براه انداختن کتاب سوزان و پودروخمیر کردن آثار نویسندگان و به کارگیری تیغ ترور و سانسور بذر اندیشه‌های انقلابی و ترقی خواهانه رابخشکاند. پیروزی خلق در مبارزه علیه رژیم راه رشد و

روزنامه کیهان گزارش خود درباره بازار کتاب را چنین آغاز می‌کند:

" نویسندگان و مترجمین در بازار ناشران با اقبال مالی مواجه‌اند و اگر این وضع ادامه یابد، ریشه‌های نوآوری به تدریج می‌خشکد و روح تحقیق و پژوهش کم‌کم فراموش می‌شود " (کیهان ۶۶/۵/۲۷).

چرا چنین وضعی در بازار کتاب ایران حکم فرم است؟ چه عواملی دست به دست هم داده‌اند و این وضع را بوجود آورده‌اند؟ ریشه عدم استقبال ناشران در کجا نهفته است؟ چرا هر روز کتاب‌های " مبتذل و کم‌مایه " روی بساط کتابفروشی‌ها پدیدار می‌شود؟ چرا خرید و خواندن کتاب به شکل چشمگیری در جامعه افت کرده است؟

پاسخ به سئوالاتی از این دست را تنها باید در سیاست رژیم پویژه در زمینه فرهنگی و انتشاراتی جستجو کرد. وقتی ابتدایی‌ترین حقوق و آزادی‌های انسانی از جمله آزادی قلم به خشن‌ترین وجهی پایمال شود، بهترین فرزندان قلم بدست خلق دستگیر و راهی سیاه‌چال‌ها و شکنجه‌گاه‌ها و میدان‌های اعدام گردند و یا به ناگزیر تن به مهاجرت از میهن خود دهند و اساساً جماعتی بی‌مایه و قشری و تنگ‌نظر و مشتکی‌قلم بمزد جای آنها را بگیرند، طبیعی است که در بازار کتاب از " نوآوری " خبری در میان نباشد و آثار ارزشمند نویسندگان و مترجمان و شاعران و دانشوران نامی کشور بطور عمده بخاطر دوربودن از گزند دستبرد وحشیانه گزبه‌های رژیم یا زیر خاک‌های نمور بیوسند یادریستوها خاک بخورند.

کسادی بازار کتاب و عدم استقبال مردم از خرید کتاب‌های موجود در بازار را نباید به حساب عدم علاقه به مطالعه و نداشتن اشتیاق به بالا بردن سطح اطلاع و آگاهی سیاسی، اجتماعی و علمی آنها گذارد. اینکه مردم آگاه و زحمتکشان میهن ما علی‌رغم حکومت ترور و خلفان حتی هربرک اعلامیه نیروهای انقلابی را با شور و شوق می‌خوانند و چون هدیه‌ای گرانبه‌دست به دست می‌گردانند، نشانگر آنست که آنها از مطالعه گریزان نیستند، بلکه نمی‌خواهند حرکت کتاب " مبتذل و بی‌مایه " ای را مطالعه کنند. تظاهر آشکار و انکار ناپذیر این مسئله را در کاهش تیراژ کتاب و شمار خوانندگان کتاب‌های موجود در بازار کتاب ایران می‌توان دید.

توده کتاب خوان از یاد نبرده است که در دوران انقلاب، در پرتو آزادی نسبی آن زمان، آثار نویسندگان مترقی ایران و جهان از تیراژهای بسیار بالایی برخوردار بودند. برای نمونه می‌توان خاطر نشان ساخت از جمله برخی از آثار بنیانگذاران سوسیالیسم علمی همانند مانیفست حزب کمونیست (مارکس و انگلس) و منتخب آثار لنین تیراژ چند هزار نسخه‌ای داشتند و مردم آنها را روی دست می‌بردند. حال

گسترش اندیشه‌های پویا و انقلابی و اشاعه فرهنگ و سخن مترقی را خواهد گشود و به بازار کتاب ایران رونق خواهد بخشید.

## کارزار جهانی دفاع از زندانیان توده‌ای

سرکوب توده‌ایها برای مقابله با جنبش ضد جنگ

چندی پیش جمعیت "فریدنزیلیسته" ("لیست صلح") دولسدورف (جمهوری فدرال آلمان) اعلامیه‌ای منتشر کرد، که در آن به سرکوب حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و محاکمه پنهانی رهبران و فعالان این دو سازمان اعتراض می‌شود.

این اعلامیه پس از اشاره به گزارش‌های موثق درباره پایان محاکمه‌های کذایی و محکومیت برخی از توده‌ایها به مرگ یادآوری می‌کند، که "رژیم جمهوری اسلامی ایران با اعدام توده‌ایها و تشدید سرکوبگریهای خودکوشش می‌روزد تا با گسترش جنبش مبارزه با جنگ به مقابله بپردازد."

"لیست صلح" خواستار آنست، که:  
 ۱- به متهمان آزادی انتخاب و کیل مدافع داده شود

۱- پزشکان نامدار بین‌المللی به معاینه حال جسمی و روانی زندانیان بپردازند،  
 ۲- حقوقدانان دمکرات به شیوه‌های تحمیل "اعتراف" سرکشی کنند،  
 ۳- اعدام، شکنجه و ترور در ایران پایان یابد،  
 ۴- به جنگ دیوانه و ارمیان ایران و عراق از راه مسالمت آمیز خاتمه داده شود،  
 ۵- همه زندانیان سیاسی در ایران آزاد گردند."

### جنایت ضد بشری

"جمعیت حقوقدانان دمکرات جمهوری فدرال آلمان و برلین غربی (بخش دورتوند)" چند روز پیش در نامه‌ای به ساقاوت جمهوری اسلامی درین به ادامه و تشدید موج سرکوب و اعدام در ایران اعتراض کرد.

در این نامه، که مملوت تنن، وکیل مدافع آلمان غربی، آنرا امضاء کرده است، به خطر

مبهم اعدام برای گروهی از رهبران و کادرهای حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اشاره می‌شود.

نامه "جمعیت حقوقدانان دمکرات" یادآور می‌گردد، که هم اکنون حدود صد هزار میهن پرست در زندانهای خمینی رنج می‌برند و "رفتار با زندانیان در زندانهای جمهوری اسلامی انسان را به یاد قرون وسطی می‌اندازد. این رفتار بربرمنشانه و به معنای راستین کلمه جنایتی ضد بشری است."

مملوت تنن، بنام "جمعیت حقوقدانان دمکرات" دورتوند، از دولت ایران می‌خواهد تا:

۱- به ناظران (ژورنالیست‌ها و حقوقدانان) بین‌المللی حق شرکت در همه محاکمات داده شود  
 ۲- زندانیان بتوانند وکیلان مدافع خود را انتخاب کنند،  
 ۳- شکنجه‌های دهشتناک و تدارک و اجرای رای‌های اعدام پایان پذیرد."

## "تیشه به ریشه تربیت معلم"

فارغ‌التحصیل شدن همگی آنها کمتر از نیمی از نیازهای کنونی کشور به معلم و دبیر مرتفع خواهد شد.

راه ورود به این مراکز به علت وجود سالی‌های متعدد به روی اکثریت جوانان میهن ما بسته است. در حال حاضر جو فاشیستی - مذهبی پر دانشگاه‌های تربیت معلم حاکم است. سرانجام ۱- که از ترس راهیابی افراد انقلابی به آموزش و پرورش سخت بیمناک هستند، سیستم تفتیش عقاید بیسابقه‌ای را برای شناسائی و تصفیه دانشجویان دگراندیش پراهنداخته‌اند. هرگونه انتقاد و اعتراضی جمعی در این مراکز مساوی است با اخراج محصلین. بطوریکه یکی از دانشجویان مرکز تربیت معلم ورامین نوشته است: "اگر دانشجویی انتقاد بکند باید منتظر مارک‌هایی باشد که بر پیشانی اش می‌چسباند." (کیهان ۶۴/۴/۴)

هر روز قسمت مهمی از وقت دانشجویان صرف مراسمی از قبیل دعای "وحدت" و "کمیل" و یا آموزشی مشتکی خرافات در کلاس‌های ایدئولوژیک می‌گردد.

دانشجویان مراکز تربیت معلم همچنین با مشکلات جدیدی صفتی دست به گریبان هستند. کیفیت غذا و نظافت دانشکده‌ها بسیار خراب است. بسیاری از ضروریات ابتدایی زندگی نظیر کمد وسایل شخصی، تسهیلات رفاهی و امکانات

تربیت معلم یکی از ارکان آموزشی نظام هر کشور است. توسعه سیستم آموزشی کشور، هماهنگ ساختن آن با ضروریات زمان و در یک کلام تحقق انقلاب آموزشی، بدون تربیت معلمان زبده و با معلومات امکان پذیر نیست. هرگونه اعمال در این امر تأثیرات مستقیمی بر آموزش و پرورش و نهایتاً روند پرورش کادر متخصص ملی جهت بازسازی اقتصاد کشور می‌نهد. بی‌توجهی به تربیت معلمان و آموزگاران، بحران فرهنگی عینی به دنبال خواهد داشت. و این همان خطری است که امروز در نتیجه سیاست ج.ا.ا. نظام آموزشی کشور ما را تهدید می‌کند. برخورد بی‌نهایت سبکسرانه حکام ج.ا.ا. به مسئله تربیت معلم مسئله‌ای نیست که از دیده کسی پنهان باشد.

در حالیکه کشور ما با کمبود ۷۰ هزار معلم و ۱۵ هزار دبیر مواجه است، و هر ساله این رقم بیشتر می‌شود، رژیم بودجه محدودی

در سال تحصیلی ۶۴-۶۵، ۴ هزار نفر از محصلین دانشکده‌های تربیت معلم، ترک تحصیل کرده‌اند.

راه مراکز تربیت معلم اختصاص داده است. هم اکنون در این مراکز مجموعاً ۲۱ هزار دانشجو بطور شبانه روزی تحصیل می‌کنند که در صورت

ورزشی برای آنها فراهم نیست. از جمله دانشجویان مرکز تربیت معلم ورامین حتی از داشتن طناب برای خشک کردن لباس‌های خود محروم هستند. بیسوادی استادان این دانشکده که غالباً آخوندهای حوزه‌های علمیه هستند، کاملاً

کشور ما با کمبود ۷۰ هزار معلم و ۱۵ هزار دبیر مواجه است. و هر ساله این رقم بیشتر می‌شود.

مشهود است. کتاب‌های درسی بی‌محتوا، از لحاظ علمی عقب مانده و بدور از واقعیات جامعه ما هستند. تازه همین کتاب‌ها نیز در هر ترم تحصیلی دیر به دست دانشجویان می‌رسد. مجموعه این مسائل، پهلاوه بی‌آیندگی شغل معلمی است که موجب ترک تحصیل گروه کثیری از دانشجویان تربیت معلم می‌گردد. کمالینکه یکی از نمایندگان مجلس در سال گذشته اعتراف کرد: "بافرار معلمان بویژه از مراکز تربیت معلم مواجه هستیم." (کیهان ۶۴/۵/۴)

طبق آمارهای رسمی موجود در سال تحصیلی ۶۱-۶۲، ۲ هزار نفر و در سال تحصیلی ۶۲-۶۱، ۴ هزار نفر از محصلین دانشکده‌های تربیت معلم ترک تحصیل کرده‌اند.

بربستر چنین وضعیتی است که حرکات اعتراضی در مراکز تربیت معلم رشد و گسترش می‌یابند. بدون شک جامعه معلمان کشور ما همانند گذشته در مبارزات مردم میهن ما علیه رژیم ج.ا.ا. سهم فعالی خواهند داشت.

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل  
 نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

## سکوت امروز

بقیه از ص ۱  
است؟" (کیهان ۲۸/۶۴۶۹)

سال گذشته روزنامه ج.ا. به این واقعیت اعتراف کرد که نیروهایی که در نهادهای رژیم کار می‌کنند و به امیال آن گردن نمی‌نهند "از کار برکنار و یا تبعید و یا محکوم به بازنشستگی و یا اخراج" می‌شوند (ج.ا.، ۲۰/۱۲/۶۴).  
واقعیت‌های یادشده یک پدیده تصادفی و گذرا نیست، بلکه امری قانونمند و اجتناب‌ناپذیر است که از تسلط کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان بر اقتصاد کشور و حمایت رژیم ج.ا. از آنها سرچشمه می‌گیرد. نظامی که شالوده آن بر استثمار و تبعیض اجتماعی، مالکیت افسارگسیخته خصوصی و وابستگی استقلال‌شکن استوار باشد نمی‌تواند نیروهایی را که خواهان اصلاحات اجتماعی به نفع محرومان جامعه هستند، تحمل کند. صاحبان زر و ثروت تنها یک هدف دارند و آن عبارت است از کسب سود بی حد و حصر. آنها هر نیرویی - با هر بینش ایدئولوژیکی - را که بخواهد در این راه مانع ایجاد کند، اگر بتوانند سرکوب می‌کنند. همان کاری که امروز در مین ما دارد انجام می‌شود.

سران مرتجع رژیم ج.ا. از یک سو نیروهای مخالف یکه تازی صاحبان زر و ثروت را اخراج، تبعید و زندانی می‌کنند و از سوی دیگر ضدانقلابیون از آن جمله اعضای انجمن حجتیه را زیر چتر حمایت خود می‌گیرند. در این رابطه سخنان نماینده بوئین زهرا جالب توجه است. او می‌گوید: "درحالی‌که بچه‌های انقلاب یکی پس از دیگری کنار می‌روند و کنار زده می‌شوند و به‌های عزیز می‌روند و در سپاه می‌بینیم که کارشان را به خاطر جریانهای زشت و نازیبی‌ها می‌کنند و بالاخره شاهدیم که افکار و اندیشه‌هایی که تا دیروز به عنوان مبارزه با بهائی گری دکان و دستگاهی داشتند و آب به آسیاب ساواک و شاه می‌ریختند، امروز هنوز تشکیلات آنها به قوت خودش باقی است... شهید هاشمی نژاد می‌گفت خطر برای کشور ما، آمریکا نیست خطر انجمن حجتیه است که ممکن است جریان خوارچ را در کشور ما به شکل دیگری احیاء کند ولی امروز مع الاسف می‌بینیم که در گوشه و کنار، این گروه بخاطر تشکیلاتی بودن، ارگانها و پستهای حساس را قبضه می‌کنند و در نهایت می‌بینیم که دیگر جایی برای بچه‌های انقلاب نیست. انقلابیون دخیل امروز، حاکم بر انقلابیون اصیل و زحمت کشیده و زندان رفته و تبعیدشده و کتک خورده هستند" (کیهان ۲۰/۹/۶۴).

واقعیت‌های مستند یادشده موهب آن است که کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان در پرتو حمایت زمامداران مرتجع ج.ا. بیش از پیش گستاخ شده و یورش به مخالفان امیال غارتگرانه خود را تشدید کرده‌اند. تردیدی نیست که اگر

همه نیروهای مترقی با اتحاد عمل و با اتکاء به نیروی لایزال خلق هرچه زودتر به عمر رژیم خودکامه ج.ا. نقطه پایان نگذارند، در آینده شاهد سرکوب بیشتر و شدیدتر نیروهای مردمی خواهیم بود و در مبین ما فجایع بزرگتری رخ خواهد داد. بی جهت نیست که آقای خلخالی می‌گوید اگر "افراد دلسوز و انقلابی که سالیان دراز در زندانها بودند و بعد از انقلاب خدمات شایسته‌ای به مردم کرده‌اند کنزورده شوند و به جای آنها افراد بی تفاوت وارد شوند و وارث خون شهیدان شوند این اول فاجعه است و بی آمدهای بسیاری را بدنال خواهد داشت" (کیهان ۲ مهر ۶۴).

در شرایطی که ضدانقلاب از هر سو بر انقلاب و نیروهای انقلابی می‌تازد، وظیفه همه نیروهایی که واقعا و صادقانه به آرمان‌های انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی بهمن ۵۷ وفادارند، آن است که علیه مسبب اصلی این وضع یعنی رژیم ج.ا. بیکار بی‌امان کنند. در "بیانیه تحکیم وحدت درباره تشکیل کابینه جدید" آمده است که رشد ضدانقلاب "موجب مبارزه با روحیه انقلابی... شده است و در (اکثر) وزارتخانه‌ها و ادارات مظلومیت نیروهایی که به خاطر مصالح انقلاب سکوت کرده‌اند بسیار روشن است" (اطلاعات، ۲۲ مهر ۶۴).

باید به دانشجویان و جوانان کشور گفت که دیگر زمان، زمان سکوت نیست. در شرایط حاد و پیچیده موجود که ارتجاع موضع خود را بیش از پیش تحکیم می‌کند، باید به بیکار بی‌امان علیه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و زعمای ج.ا. که از آنها حمایت می‌کنند دست زد. مصالح انقلاب، نه سکوت بلکه نبرد با رژیم را ایجاب می‌کند. سکوت امروز مرگ و شکست فردا را بدنال دارد.

آری سکوت به نفع ارتجاع است. باید همراه زحمتکشان با رژیم ج.ا. به بیکار خستگی‌ناپذیر دست زد. دل‌سردی، انزوا و سکوت و غیره خواست ارتجاع است.

### کمونیست‌ها و مبارزه در

به مقدار زیادی وابسته به اوضاع آسیا است. کاهش تشنج در آسیا در وهله نخست از طریق پایان‌دادن به جنگ‌های اعلان شده و اعلان نشده، امکان پذیر است. برچیدن کلیه پایگاه‌های نظامی خارجی در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک و غیرنظامی اعلام کردن منطقه اقیانوس هند می‌تواند نقش مهمی در تأمین صلح و امنیت سراسر آسیا ایفا کند.

دستیابی به این اهداف وقتی امکان پذیر است که تمام نیروهای صلح‌دوست در صف واحدی به مبارزه ادامه دهند. این نیز در ارتباط ناگسستنی با فعالیت کمونیست‌ها به مثابه مدافعین بی‌گیر و سرسخت صلح و آزادی خلق‌ها در سراسر قاره است. درست به همین سبب هماهنگ ساختن مبارزه کمونیست‌های آسیا اهمیت ویژه‌ای

## به‌مامی نویسنند

### درگیری در کارخانه "فرش گیلان"

پس از بازدید یک گروه چند نفره وزارت صنایع سنگین از کارخانه فرش گیلان که با "صلاح دید" مدیر این واحد تولیدی بدون حضور کارگران انجام شد، درگیری بین کارگران و مدیریت افزایش یافت. کارگران می‌خواستند خواستهای صنفی خود را رویارو با هیات اعزامی از وزارت صنایع سنگین عنوان کنند و مدیریت این واحد مانع انجام این خواست شده بود. در جریان این درگیری سه نفر از سرپرستان به دلیل پشتیبانی از نظریات کارگران از کار بیکار شدند و مدیریت دستور داد که نگهداری مانع ورود آنها به کارخانه شود. این عمل موجب تشدید اعتراض کارگران شد. کارگران در اولین روز توانستند سرپرستان را به داخل کارخانه بیاورند، اما روز بعد سپاه پادرمیانی کرد، سرپرستان را به استانداری برد و... این کارخانه که در ۸ کیلومتری جاده رشت - قزوین قرار دارد، دارای ۱۳۰۰ کارگر ثابت و ۲۰۰ نفر کارگر روزمزد و پیمانی است.

در رابطه با مسئله طرح طبقه بندی مشاغل اخیرا از طرف کارخانه لیستی به کارگران داده شد که حاکی از پایین آمدن حقوق دریافتی بسیاری از کارگران بود. در بهمن ماه ۶۴ این طرح مرحله قانونی و تکمیلی را طی کرد و در ۱۲ و ۱۴ خردادماه ۶۴ به کارگران ابلاغ گردید که بازم با اعتراض اکثریت کارگران مواجه شد. در ۲۲ خرداد واحدهای مختلف کارخانه در اعتراض به نحوه پیاده شدن طرح طبقه بندی مشاغل طوماری تهیه کردند و اعتراض آنها به شیوه‌های مختلف هنوزم ادامه دارد.

### برخورد جناحها در "پلاستیک جهان"

در کارخانه پلاستیک شمال درگیری شدیدی وجود دارد. انجمن اسلامی در اثر شکایتهای کارگران یک کارگر عضو حجتیه‌ای را اخراج کرد و مدیر این واحد در حمایت از شخص اخراج شده که مدت دو روز نیز در بازداشت به سر می‌برد، متقابلا به اخراج ۱۰ نفر از اعضای انجمن اسلامی دست زد. سرانجام پس از سه ماه درگیری و زدوخورده بین جناحها، در مردادماه حکم بازگشت به کار اخراجی‌های انجمن اسلامی توسط مدیرعامل امضاء شد. درگیری بین جناحها همچنان بر سر "تعیین تکلیف" این واحد تولیدی ادامه دارد.

کسب می‌کند. به نظر ما، وقت آن رسیده‌تا کمونیست‌های آسیا برای تنظیم سیاست واحد مبارزه در راه صلح و امنیت اروپا قدم آیند. این کردهائی می‌تواند در سهر موفقیت آمیز آتی مبارزه موثر افتد.

پخش و تکثیر "نامه مردم" در داخل کشور وظیفه هر عضو و هوادار حزب است!

## دو ساسیه رویدادها

### کشته شده بهتر از قلم زدن

درج. ۱. هر اقدام و سخنی که مغایر با منافع زراندوزان و زورمداران باشد توطئه و خیانت ارزیابی می‌شود و نیروهای ارتجاعی، عناصر وفادار به آرمان انقلاب بهمین ۵۷ را به اشکال مختلف از سرراه خود بر می‌دارند. روزنامه کیهان (۲۵ شهریور ۶۴) می‌نویسد، روزنامه نگار می‌بیند که به خاطر عادی‌ترین کاری که او وظیفه خود می‌داند توطئه گر و خائن خوانده می‌شود، این زودتر این کارها را رها می‌کند و می‌رود سرکار دیگر. مواردی داشتیم که یکی از بچه‌ها به ما می‌گفت: کار در جیب و زیر بمباران دشمن برای من و ایمان و اعتقاد بسیار راحتتر، آسانتر و لذت بخشتر است تا کار در روزنامه، با این برخورد همار قضایاتهایی که با آدم می‌کنند، یعنی جنگیدن و کشته شدن را از قلم زدن آسانتر می‌دانست.

باید به این گونه روزنامه نگاران گفت که جنگ و کشته شدن در جیب‌های که به نفع امپریالیسم است راه اصولی مبارزه نیست و پیکارگران واقعی باید علیه حاکمیت ج.ا. از آن جمله جنگ خانمان برانداز نبرد کنند.

### آمار و ارقام سخن می‌گویند

مرکز آمار ایران در نشریه " خلاصه آمارهای پایه‌ای کشور " می‌نویسد:

" متوسط هزینه سالانه (۱) یک خانوار شهری که در سال ۶۵، ۵۴ هزار ریال بوده، در سال ۱۳۶۴ به ۱۱۱ هزار ریال افزایش یافته است. این تغییر در مورد خانوارهای روستایی از ۲۹ هزار ریال به ۶۱ هزار ریال بوده است " (" اطلاعات " ۸ مهر ۶۴).

این که در شرایط کنونی متوسط هزینه سالانه یک خانوار شهری و روستایی (۱۱۱ و ۶۱ هزار ریال باشد، پذیرفتنی نیست. به گمان ما حتی مسئولین ج.ا. چنین ادعای ساده لوحانه‌ای نخواهند کرد و این یک اشتباه چایی است و کلمه سالانه جای ماهانه را گرفته است.

بهر حال با یک نگاه می‌توان دریافت که متوسط هزینه زندگی یک خانوار شهری و روستایی به نسبت سال ۵۸ بیش از دو برابر شده است. آیا درآمد متوسط خانوارها نیز به همین نسبت افزایش یافته است؟ واقعیت‌های زندگی خلاف این مسئله را نشان می‌دهد.

### افزایش واردات و کاهش صادرات

همچنین نشریه یادشده در زمینه ارزش واردات و صادرات کشور می‌نویسد:

" ارزش واردات کشور در سال ۱۳۵۸، ۶۸ میلیارد تومان بوده که در سال ۱۳۶۴ به ۱۵۸ میلیارد تومان افزایش داشته، در صورتی که صادرات بدون مواد نفتی کشور ما با رقم ۲ میلیارد تومان در سال ۱۳۶۴ کاهش معادل ۵۰ درصد را نسبت به

سال ۱۳۵۸ نشان می‌دهد."

به این ترتیب واردات کشور به نسبت سال ۵۸ بطور تقریبی ۵ برابر افزایش یافته و صادرات به نصف کاهش یافته است. آیا این به معنی تشدید وابستگی به کشورهای امپریالیستی و روند روبه گسترش محدودیت تولیدات داخلی نیست؟ سوده‌های کلان مربوط به ارقام نجومی واردات کشور به جیب چه کسانی می‌رود؟ اینها سوالاتی است که سران ج.ا. از پاسخ دادن به آنها طفره می‌روند.

### مرگ عدالت علت فساد اداری

روزنامه اطلاعات ضمن اشاره به فساد رایج اداری در نظام ج.ا. از آن جمله " ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری، قرطاس بازی، پارتی بازی، کم کاری، سرگردان کردن ارباب رجوع و موارد دیگر " می‌افزاید " این مسئله را هم نباید از نظر دور داشت که از علل دیگر بروز فساد در ادارات مرگ عدالت و نادیده انگاشتن حقیقت در این محیطها " است (" اطلاعات " ۲۰ مهر ۶۴).

مردم از انقلاب دفاع می‌کنند،

### رژیم از کلان سرمایه‌داران

غلامرضا حیدری نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید: " با کمال کستاخی گفته می‌شود بی‌خود شعار حمایت از مستضعفین را سر داده‌اید. دیگر شعارهای اول انقلاب را باید کنار گذاشت " (کیهان ۲ مهر ۶۴)

او در بخش دیگری از سخنان خود که در روزنامه اطلاعات منعکس شده می‌افزاید: " این عناصری که این گونه برای بازگرداندن اموال مصادره شده فراریان دست و پا می‌زنند ... اساس انقلاب را قبول ندارند. تا چه اندازه باید آنان را تحمل کنیم؟ تاکی باید مومنین به انقلاب و محرومین جامعه که چشم امید به این انقلاب ... دوخته‌اند شاهد چنین انحرافهایی از اصول انقلاب باشند.

چگونه می‌توان تحمل کرد که باز چپاولگران و آنان که منافع خویش را با هر گونه ذلت و به استثمار کشیدن دیگران بدست آورده‌اند بازم برگردند و به عنوان آقا بر این ملت حکومت کنند؟ " (" اطلاعات " ۲ مهر ۶۴).

باید به آقای حیدری گفت آن نیروئی که دشمنان سوگند خورده خلق را برمی‌گرداند، رژیم ج.ا. است که از منافع صاحبان زمینها و ثروتهای بزرگ دفاع می‌کند اما مردم علی‌رغم میل ارتجاع " شعارهای اول انقلاب " را هرگز کنار نخواهند گذاشت و به پیکار بی‌امان خود در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی ادامه خواهند داد.

### منتظری از فاجعه سخن می‌گوید

منتظری در جریان دیدار با ۱۰۰ تن از نمایندگان مجلس گفت: " اگر بنا باشد دولت ما همان بافت سابق را داشته باشد، نخست وزیر با زیربایش نباشد، اعتماد نداشته باشد، وزیر

به نخست وزیر اعتماد نداشته باشد، خود وزیرها با هم جور نباشند و فقط با فکر خنثی کردن کار یکدیگر باشند این این برای کشور فاجعه است ... تداوم این وضع که ما تا حالا داشته‌ایم در دولت به نظر من بسیار وضع خوبی نبوده است ... خلاصه بی‌رویه‌ریاستی خط بازی نباید باشد ... این به نظر من فاجعه است. من نسبت به دولت عقیده‌ام این است که سعی کنید یک دولت هماهنگی روی کار بیاید " (کیهان ۲۲ مهر ۶۴).

معرفی اعضای کابینه جدید به مجلس شورای اسلامی نشان داد که ترکیب دولت اساساً همان ترکیب قبلی است لذا " فاجعه‌ای " که منتظری از آن سخن می‌گوید همچنان به قوت خود باقی است.

### عواقب همپیوندی ۵۰

بقیه از ص ۲  
میلیون دلار یعنی ۴۲ درصد کل سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی در کره جنوبی بالغ می‌شود. هم اکنون فزونیتر از ۴۶۰ واحد تولیدی متعلق به انحصارات ژاپنی در نقاط مختلف این کشور مشغول به فعالیت هستند. تنها در سال ۱۳۶۰، ۱۱۲ هزار کارگر کره‌ای در این مؤسسات کار می‌کردند. سرمایه‌داران ژاپنی با بهره کشی از نیروی کار ارزان کارگران کره‌ای در این کارخانه‌ها، سود سرشاری به جیب می‌زنند. مثلاً در همان سال ۶۰ هر کارگر ساده کره‌ای در ازاء یک ساعت کار ۲۵ دلار دریافت می‌کرد. در حالیکه یک کارگر ژاپنی در قبال همان کار، ۱۸ دلار مزد می‌گرفت. مطابق آمارهای رسمی منتشره در کره جنوبی، انحصارات ژاپنی تنها از همین طریق ۱۶۰ میلیون دلار سود خالص به گاو صندوقهای خود سرازیر کرده‌اند. علاوه بر این ژاپن از طریق مبادلات ناپراپر بازرگانی با کره جنوبی طی ۲۰ سال اخیر حدود ۲۵ میلیارد دلار سود برده است.

هم اکنون شرکتهای چند ملیتی ژاپنی ادعا می‌کنند که مشغول انتقال تکنولوژی مدرن به کره جنوبی هستند و قصد دارند این کشور را از واردات ماشین آلات و مواد نیم ساخته بی‌نیاز سازند. اما عملاً ساختار صنعت کره جنوبی بر پایه واردات هر چه بیشتر مواد خام، نیم ساخته و قطعات یدکی از ژاپن بنا شده است. امروزه برائتر همین " کمکهای اقتصادی " و عدم تعرض و سلطه‌گری " کمپانیهای ژاپنی، بنیه اقتصادی کره جنوبی بسیار ضعیف گردیده و این بحران تأثیر مهلکی بر تولیدات کشاورزی این کشور نهاده است. به گواهی آمارهای موجود، واردات غلات کره جنوبی از حدود ۴ میلیون تن در سال ۱۳۵۶، به بیش از ۸۰ میلیون تن در سال ۶۰ فزونی یافته است.

بدینسان نمونه کره جنوبی یکبار دیگر پوچی افسانه راه آسیائی رشد اقتصادی را به نمایش می‌گذارد و نقاب از چهره انحصارات چپاولگر صنعتی - ژاپنی برمی‌گیرد. این نمونه همچنین تصویر روشنی از آینده شومی که حکومت ج.ا. برای میهن ما در نظر گرفته است، بدست می‌دهد. زحمتکشان وطن ما این خیانت رژیم " ولایت فقیه " را بدون پاسخ نخواهد گذارد.

## نگاهی به رویدادهای جهان



مولویزه شاعر و میهن پرست پرشور اعدام شد  
بنجامین مولویزه، کارگر، شاعر پرشور و میهن پرست افریقای جنوبی در سپیده دم روز ۱۸ اکتبر (۲۶ مهرماه) در "پرتوریا" اعدام شد.

مادر بنجامین که یک روز پیش از اعدام موفق به دیدار فرزندش شده بود، گفت که پسرش یافشاری کرده بود که سیاهپوستان به مبارزه خویش برضد اقلیت سفیدپوست حاکم ادامه دهند.

بنجامین می گوید: "مبارزه بایستی تا آزادی خلق ادامه یابد."

بنجامین که با روحیه استوار و پولادین و آگاهانه مرگ در راه آرمان های انسانی خویش را پذیرا شده بود، پیش از اعدام گفت که او "سرود آزادی" برلب (سرود آزادی کنگره ملی ملی افریقا) به سوی چوبه اعدام خواهد رفت.

همزمان با مراسم اعدام در داخل زندان پرتوریا، مادر بنجامین در اجرای واپسین خواست فرزند خویش، به همراه گروه کوچکی از سیاهپوستان در بیرون از زندان گردآمدند و سرود ملی کنگره ملی افریقا را در زیر دیدگان پلیس ضدشورش با بانگی رسا خواندند.

در ماه اوت، پیش از تعلیق موقتی حکم اعدام، بنجامین به مادرش گفت:

"من سرنوشت خود را پذیرفته ام، ولی می خواهم تو و همه جهانیان بدانید که من بی گناه هستم."

"به مردم بگو که من با آگاهی به اینکه ما بزودی آزاد خواهیم شد، با اطمینان خاطر می میرم."

اعدام بنجامین مولویزه، کارگر و میهن پرست افریقای جنوبی که علیرغم کارزار همبستگی و دفاع گسترده بین المللی صورت گرفت، باردیگر موج خشم و اعتراض نیروهای انقلابی و مترقی را در سراسر جهان نسبت به رژیم نژادپرست "پرتوریا" و پشتیبانان امپریالیستی آنها برانگیخت.

حزب توده ایران این اقدام تبهکارانه نژادپرستان دست نشانده امپریالیسم در افریقای جنوبی را محکوم می کند و از همه نیروهای انقلابی، مترقی و صلحدوست در سراسر جهان می طلبد تا در پشتیبانی خود از پیکار حق طلبانه خلق افریقای جنوبی از هیچ تلاشی فروگذار نکنند. پشتیبانی از خواستهای میهن پرستان کنگره ملی افریقا بخاطر پایان بخشیدن به موجودیت رژیم نژادپرست "پرتوریا" و آزادی همه میهن پرستان در بند از جمله نلسون ماندلا، وظیفه انقلابی و انسانی همه بشریت ترقی خواه بشمار می رود.

## کمونیسیت ها و مبارزه در راه تامین صلح و امنیت در آسیا

گسترده ای از اروپا و آسیا را دربرمی گیرد. به موجب این استراتژی، اتحادشوروی را باید نه تنها در اروپا، بلکه در زمان واحد در آسیا و همچنین در اقیانوس ها به جنگ کشاند. طبق این استراتژی خاورودور و خلیج فارس، یعنی دو منطقه در آسیا می بایست به صلح جنگ هسته ای تبدیل شوند.

ناگفته پیداست که هدف امپریالیسم آمریکا، اعلان "جنگ صلیبی" نه تنها علیه اتحادشوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است، بلکه علیه نهضت های رفایی بخش ملی نیز هست که منافع امپریالیسم را به مخاطره انداخته اند. این سیاست با خواست خلق های کشورهای آسیائی که خواهان صلح و امنیت جمعی هستند، در تضاد است.

۲۹ اوت سال جاری میلادی رفیق کارپاچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشت: "روشن است که تنظیم و جامه عمل پوشاندن به نسخه امنیت در آسیا یک مسئله درازمدت است. برای تحقق آن باید مرحله به مرحله پیش رفت - از ساده به مرکب."

اگر همه کسانی که خواهان استقرار صلح در قاره عظیم آسیا هستند، امروز مرچه مصمم تر در این راه گام برندارند، فردا دیر خواهد بود. نباید درس تاریخ را نادیده گرفت. امپریالیسم آمریکا برای دستیابی به اهداف غارتگرانه خویز هیچ جنایتی فروگذار نمی کند. رویدادهای کره و ویتنام دومونه برجسته این جنایات در قاره ما است. مردم آسیا فراموش نکرده اند که ایالات متحده آمریکا نخستین بمب هسته ای را در آسیا مندرج ساخت. "واشنگتن" درصدد بود در جنگ کره نیز بمب اتمی بکاربرد. در سال ۱۹۵۸ ایالات متحده نقش واردآوردن ضربه هسته ای به چین را آماده کرده بود. پنتاگون سعی فراوانی کرد شاید سلاح هسته ای را در ویتنام نیز آزمایش کند.

در سال ۱۹۷۱ به هنگام جنگ هندو پاکستان، "واشنگتن" درصدد بود از بمب هسته ای به دفع پاکستان استفاده کند.

چنین است لفظ گوشه ای از حقایق تاریخی که نمی توان و نباید به دست فراموشی سپرد. تامین امنیت عمومی در آسیا بدون نبرد علیه سیاست امپریالیسم آمریکا غیرممکن است. برای تامین صلح پایدار در آسیا باید همه پایگاه های نظامی برچیده شوند و به حضور نظامی خارجی پایان داده شود. باید به حفظ و نگهداری سلاح های اتمی و دیگر سلاح های کشتار جمعی در آسیا قذفن گردد.

نمی توان و نباید به دست فراموشی سپرد. تامین امنیت عمومی در آسیا بدون نبرد علیه سیاست امپریالیسم آمریکا غیرممکن است. برای تامین صلح پایدار در آسیا باید همه پایگاه های نظامی برچیده شوند و به حضور نظامی خارجی پایان داده شود. باید به حفظ و نگهداری سلاح های اتمی و دیگر سلاح های کشتار جمعی در آسیا قذفن گردد.

نمی توان و نباید به دست فراموشی سپرد. تامین امنیت عمومی در آسیا بدون نبرد علیه سیاست امپریالیسم آمریکا غیرممکن است. برای تامین صلح پایدار در آسیا باید همه پایگاه های نظامی برچیده شوند و به حضور نظامی خارجی پایان داده شود. باید به حفظ و نگهداری سلاح های اتمی و دیگر سلاح های کشتار جمعی در آسیا قذفن گردد.

تأمین صلح و امنیت در آسیا یکی از مسائل عمده بین المللی معاصر بشمار می رود. آسیا پرجمعیت ترین قاره جهان و منطقه فعال نهضت های رفایی بخش ملی است. آسیا یکی از مخازن عظیم منابع طبیعی جهان است.

چندسال پیش ژنرال راجرز آمریکائی بی پرده گفت، اگر بنا بر آغاز جنگ جهانی جدید باشد، احتمال بروز آن در خط خاور نزدیک - خلیج فارس - اقیانوس هند، بیشتر می رود.

آنچه که هم اکنون در قاره مای گذردنگرانی آور است. جنگ ایران و عراق که وارد ششمین سال خود شده است، سراسر منطقه را تهدید می کند. همچنین جنگ اعلان نشده علیه جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان به رهبری امپریالیسم آمریکا، سیاست تجاوزکارانه و تروریستی اسرائیل در لبنان و سیاست مشابه ضیاء الحق - دیگر دست نشانده آمریکا - علیه افغانستان و هندوستان، توطئه امپریالیستی علیه کامبوجیا به دست سران تایلند و ... از جمله عوامل تشدید و خامت در قاره آسیا هستند و صلح را در سراسر این قاره در معرض خطر قرار داده اند.

کمتر ناظر آگاهی را می توان یافت که در این رویدادها خطر جنگ جهانی را نبینند. بدیهی است که وقوف برخطر کافی نیست، باید برای دفع آن مبارزه کرد. به همین دلیل شناخت سرچشمه و منبع خطر، ضرورت دارد.

سیاست تجاوزکارانه و نواستعماری امپریالیسم آمریکا و همیمانان او در ناتو، عامل اساسی تشدید تشنج در قاره آسیا است. هدف واشنگتن عبارت است از استقرار سیادت نظامی - استراتژیک در اقیانوس آرام، اقیانوس هند و خلیج فارس به قصد تأمین کنترل آمریکا بر کشورهای مستقل آسیا.

تصادفی نیست که واشنگتن بیش از ۲۰ پایگاه نظامی در قاره ایجاد کرده، همچنین ده ها ناو جنگی و از جمله زیردریائی های هسته ای "ترایدنت"، بمب افکن های "ب-۵۲" مجهز به موشک های حامل کلاهک های هسته ای و صدها هزار نفر نیروی مسلح، در این منطقه متمرکز کرده است.

طبق دکترین رایج در ایالات متحده آمریکا، خاورودور و نیز اقیانوس هند و خلیج فارس به ترقیب مناطق دوم و سوم استراتژیک بعد از اروپا بشمار می روند.

در سال ۱۹۷۲ رسانه های گروهی آمریکا فاش کردند که وانپبرگر، وزیر دفاع و لمان، وزیر نیروی دریایی آمریکا، استراتژی "یک و نیم جنگ" نیکسون علیه شوروی را رد می کنند. منظور از این استراتژی آن بود که یک جنگ علیه شوروی در اروپا و "نیم" جنگ دیگر در آسیا آغاز گردد.

وانپبرگر و لمان خواهان تبدیل این استراتژی به یک جنگ عظیم در جبهه ای شدند که منطقه

|                           |  |
|---------------------------|--|
| NAMEH<br>MARDOM<br>No: 74 | P.B. 49034<br>10028 Stockholm 49<br>Sweden |
| 31, Oktober, 1985         |  |